خبرها

وزیر خارجه: تبلیغات در مورد موشک‌های جدید ایران هدایت سیاسی شده است

گروه سیاسی: وزیر امور خارجه ایران روز گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک با همتای گینه‌ای‌اش گفت که به نمایندگی‌های ایران در کشورهای مختلف به ویژه جهان اسلام دستور العملی ارائه شده تا مبانی و چارچوب‌های ایران را برای مقام‌های کشورهای مختلف در مورد مذاکره با آمریکا در مورد مسائل عراق روشن کنند که کسانی به دنبال سوءاستفاده از این مسئله نباشند. ایران و آمریکا قرار است به زودی در عراق با یکدیگر درخصوص مسائل عراق و به خصوص اختلافات داخلی در این کشور گفت‌وگو کنند. برخی منابع تاریخ این مذاکرات را ۱۹ فروردین جاری ذکر کرده‌اند. کاردار ایران در بغداد نیز گفته است که چنانچه مذاکراتی با آمریکا صورت گیرد، نماینده دولت عراق نیز حضور خواهد داشت. او همچنین از درخواست ایران برای علنی بودن این مذاکرات خبر داده است. اما منوچهر متکی وزیر امور خارجه دیروز در این زمینه اظهار داشت که در این خصوص هنوز تیم مذاکره‌کننده، زمان و محل مذاکرات مشخص نیست. وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه آیا انجام مذاکره با آمریکا موجب دلسرد شدن کشورهای اسلامی و گروه‌هایی چون حزب‌الله لبنان از جمهوری اسلامی ایران نخواهد شد، ادامه داد: همانگونه که بارها اعلام شده موضوع این مذاکرات صرفاً عراق و در ادامه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در دفاع از تمامیت ارضی و حمایت از مردم عراق و براساس خواست رهبران این کشور است. وی خاطرنشان کرد: ما غیر از منافع ملت عراق در پی دستاورد خاصی از این مذاکرات نیستیم و شاید مدت‌های طولانی است که مقامات آمریکایی درخواست انجام این مذاکرات را از ما مطرح می‌کردند، ولی ایران آن را در دستور کار قرار نمی‌داد که مسئله با درخواست رسمی رهبران ملت عراق مورد بررسی مسئولان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و با آن موافقت شد. یکی دیگر از موضوعاتی که دیروز در مصاحبه مطبوعاتی متکی با خاتوماتا سیدیبه وزیر خارجه گینه مورد صحبت قرار گرفت، آزمایش موشک‌های جدید ایران در رزمایش پیامبر اعظم (ص) در آب‌های خلیج فارس بود. متکی تبلیغات صورت گرفته در این ارتباط را با برخی هدایت‌های سیاسی مرتبط دانست و اظهار داشت که نگاه ایران نگاهی دفاعی همانند دوران جنگ تحمیلی است. او ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ سال گذشته و در طول موجودیتش به هیچ کشوری تهاجم نداشته و فرهنگ او بر تفاهم و روابط صمیمانه منطقه‌ای و جهانی استوار بوده است. متکی با اشاره به این که مواضع ایران کاملاً روشن است، خاطرنشان کرد: دکترین جمهوری اسلامی ایران دکترینی دفاعی است و هرگز پیشینه‌ای از تهاجم و جنگ‌افروزی در تاریخ از ایران ثبت نشده است. به گزارش ایسنا وزیر امور خارجه همچنین اظهار داشت: در زمینه‌های فناوری و علوم مختلف دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در خدمت صلح و امنیت منطقه و جهان اسلام و کشورهای اسلامی بوده و براساس بیانیه مکه تهاجم به هر کشور اسلامی به منزله تهدید تمامی کشورهای اسلامی است. این در حالی است که انجام این آزمایش‌ها با ابراز نگرانی آمریکا و پنتاگون روبه‌رو شده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دیروز ضمن ابراز نگرانی از این آزمایش‌ها گفت که با این تفاسیر راه‌های دیپلماتیک در مورد ایران فایده‌ای ندارد. خبرگزاری فرانسه به نقل از یک سخنگوی پنتاگون مدعی شد که ممکن است ایران درباره دراختیار داشتن مواد جذب‌کننده امواج رادار که قادر است از هدف گرفته شدن موشک‌های بالستیک این کشور ممانعت کند، اغراق کرده باشد. بریان وایتمن ادامه داد: تهران موشک‌های بالستیک را اولین بازدارنده علیه حملات در نظر می‌گیرد و بزرگترین فهرست آنها در خاورمیانه را دارا است. وایتمن آزمایش روز جمعه در ایران را تعجب‌برانگیز ندانسته و گفت: در یک سال گذشته ایران آزمایش مداوم موشک بالستیک میان‌برد را داشته و نیز موشک‌های ضدکشتی را آزمایش کرده است. متکی دیروز به پرسش‌هایی در مورد تصمیم شورای امنیت در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و مسائل پیرامون آن نیز پاسخ داد. به گفته وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، ایران با هدف استیفای حق قانونی و طبیعی‌اش که از عضویت در ان‌پی‌تی ناشی می‌شود فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را آغاز کرده است و این فعالیت‌ها تحت نظارت آژانس، مقررات و پادمان‌ها ادامه خواهد یافت. متکی افزود: گزارشات منظم ایران و آژانس، بازرسی‌ها و سفرهای بازرسان و مقامات آژانس به ایران، تداوم تعهد ما به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌هایمان تحت نظر آژانس را اثبات می‌کند. به گفته او به هر حال اکنون دو گزینه و انتخاب پیش‌رو داریم که یکی در همکاری، تعامل و کار با آژانس و دیگری بر تقابل مبتنی است که ترجیح ما گزینه نخست بوده و گفت‌وگوهایمان با طرف‌های مختلف را ادامه داده و امیدواریم با درک مشترک به تفاهم همه‌جانبه دست یابیم. به باور وزیر امور خارجه این تفاهم دو سوی دارد. نخست استیفای حق ملت ایران در بهره‌برداری از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و دیگر تحکیم رژیم عدم اشاعه که ما برای هر دو این مسائل آماده‌ایم. ولی یک چیز قطعاً قابل چشم‌پوشی نیست و آن عبور از حق ملت ایران است و ما با این پیش‌فرض روشن آماده تعامل و همکاری هستیم. و به این ترتیب وزیر امور خارجه برای انجام گفت‌وگوی ایران درباره تولید سوخت هسته‌ای اعلام آمادگی کرد.

گزارش البرادعی درباره ایران اردیبهشت ارائه می‌شود

ایرنا: یک دیپلمات مستقر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت احتمال دارد، گزارش «محمد البرادعی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت هسته‌ای ایران ۲۷ آوریل (۷ اردیبهشت) ارائه شود. این دیپلمات غربی روز سه‌شنبه در گفت‌وگو با ایرنا در وین تاکید کرد: هنوز هیچکس نمی‌داند که گزارش مدیرکل آژانس واقعاً در چه زمانی ارائه خواهد شد. وی اظهار داشت: اکنون در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همه‌چیز آرام است. این دیپلمات درباره نشست احتمالی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ایران گفت: چنین نشستی احتمالاً پس از ارائه گزارش مدیرکل درباره ایران برگزار خواهد شد.

ناگفته‌های ناطق نوری در گفتگو با شرق

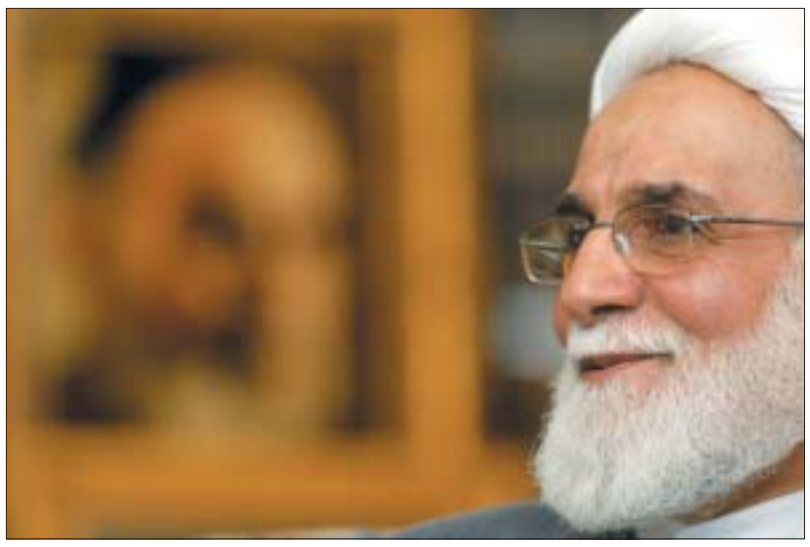

ادامه از صفحه اول

■ **اوایل سال ۸۰؟**

تقریباً. در آن جلسه گفتم اگر قرار است کسی حرفی بزند، باید معلوم باشد که چه می‌گوید. جلسات آرام‌آرام شکل گرفت و این هماهنگی بیشتر شد. بعداً که می‌خواستیم اسم بگذاریم، پیشنهاد دادیم که بشود شورای هماهنگی نیروهای انقلاب.

■ **آیا اصول ثابتی هم وجود داشت تا این همگرایی بیشتر شود؟**

بله. چهار اصل را اعلام کردیم. گفتیم که هر حزب و تشکیلاتی که این ۴ اصل را قبول دارد، می‌تواند در این شورا حاضر شود. آن اصول؛ اسلام، انقلاب، امام و رهبری بود. با این اصول بالاخره شکل گرفت و انتخابات شوراها از راه رسید.

■ **در آن زمان اما بحثی در این باره نمی‌شد که مثلاً تحت عنوان شورای هماهنگی جمعی فعالیت می‌کنند.**

در آن زمان تابلوهای مختلفی را برای شهرها در نظر گرفتیم. فعالیت متمرکز در شورای هماهنگی بود. اما نیروها را آزاد گذاشتیم که کاندیداها و نام تشکل و گروهشان را نیز خود انتخاب کنند.

■ **در تهران نیز این اختیار عمل وجود داشت؟**

بله. شورای هماهنگی مرکز با نام آبادگران فعالیت کرد. اما در شیراز به نام آفتاب فعالیت کرد یا در شهرهای دیگر با اسامی دیگر. بعد از آن نیز شورای هماهنگی در مجلس هفتم و انتخابات ریاست جمهوری نقش‌آفرین اصلی بود.

■ **اما در انتخابات ریاست جمهوری، شورای هماهنگی به پایان راه نرسید. فکر می‌کنم از بهمن ماه ۸۳ شما کناره‌گیری کردید و اختلافات افزایش یافت.**

البته من تا شب آخری که کاندیدای ما در صحنه حضور داشت حاضر بودم.

■ **یعنی تا ۲۷ خرداد؟**

بله. من به آقای لاریجانی قول داده بودم. به ایشان گفتم چه مرحله اول و چه مرحله دوم تا زمانی که شما در صحنه باشید من هستم و حمایت می‌کنم اما پس از آن نیستم.

■ **پس این بحث کناره‌گیری شما و اینکه اعلام شد قهر کردید چه بود؟**

نه. قهر نکردم.

■ **اما عنوان شد که قهر کردید.**

این تلقی به وجود آمده بود، در حالی که من حضور داشتم.

■ **در جلسات شورای هماهنگی حضور داشتید؟**

بله. تا شب آخر یعنی ۲۷ خرداد، حاضر بودم. همه جلسات نیز در دفتر من برگزار می‌شد. تا شب آخر جلسات در دفتر من بود، قهری در میان نبود.

■ **در جریان انتخابات شما به صراحت اعلام کردید که آقای هاشمی را در لیست خودتان قرار نمی‌دهید. در حالی که ایشان عضو جامعه روحانیت بود و به شما نزدیک. چرا این تصمیم را گرفتید؟**

به خاطر اینکه آقای هاشمی تصمیم نگرفته بود.

■ **اما مشخص بود که در انتخابات شرکت می‌کند.**

ما احتمال نیامدن ایشان را بیشتر از آمدنش می‌دادیم.

■ **یعنی شما با این خبرگی در سیاست نمی‌توانستید حدس بزنید که آقای هاشمی می‌آید؟**

خوب آقای هاشمی از ما خبره‌تر هستند. اتفاقاً در سیاست ایشان بسیار باهوش هستند. البته من خودم در خصوص تصمیمات ایشان ان‌قلت‌هایی نیز داشتم. واقعاً ما نمی‌دانستیم که آقای هاشمی بالاخره می‌خواهد بیاید یا نه. من چندبار با ایشان صحبت کردم و همیشه به این نتیجه می‌رسیدیم که ایشان نمی‌آید. وقتی کاندیدای نهایی ما آقای لاریجانی شد رفتم پیش ایشان. گفتم که کاندیدای ما ایشان هستند. شما چه می‌کنید. آقای هاشمی رد نکردند اما گفتند که «مطلوب من آقای ولایتی است. اما اگر آقای لاریجانی هم باشد، مخالف نیستم.» وقتی این جمله را گفتند، برای ما عدم حضور ایشان تقویت شد.

■ **اگر آقای هاشمی زودتر اعلام می‌کرد، شما حاضر بودید که از آقای لاریجانی صرف‌نظر کنید؟**

اگر جدی‌تر حاضر می‌شدند، ما تصمیم خودمان را مجدداً بررسی می‌کردیم. اما چون تا یک مقطعی چیزی نگفتند ما هم نمی‌توانستیم دست روی دست بگذاریم. نیروها در استان‌ها بلاتکلیف بودند.

■ **خود شما آیا علاقه‌مند بودید که آقای هاشمی کاندیدا شود یا خیر؟**

در شورای هماهنگی در این باره بحث بود. خیلی زیاد هم بحث شد.

■ **خود شما چطور؟ آیا علاقه‌مند بودید؟**

اگر ایشان تصمیم می‌گرفتند و وارد صحنه می‌شدند و آن‌وقت حتماً ما نیز با توجه به نظرسنجی‌هایی که داشتیم، این موضوع را بررسی می‌کردیم. من به لحاظ اینکه سخت معتقد به کار جمعی بودم، هرگز نظر خودی نمی‌دادم. همان‌گونه که گفتم به بررسی می‌گذاشتم تا جمع چه تصمیم بگیرد.

■ **بعد از پیروزی آقای احمدی‌نژاد خاطرم هست آقای هاشمی به ایشان تبریک نگفت. بیانیه یا اعلامیه‌ای در این باره منتشر نشد. آقای خاتمی نیز با تاخیر به دیدار ایشان رفت و از حضور مردم در انتخابات تشکر کردند. شما نیز سکوت کردید. هیچ کلامی نگفتید. در حالی که مدتی پس از تشکیل مجلس هفتم، به میان نمایندگان رفتید و شور و شوقی به پا شد. حالا علت این که شما بعد از این پیروزی سکوت کردید چه بود؟**

من خاطرم نیست به مجلس هفتم رفته باشم.

■ **اما من یادم هست. گویا دعوتی صورت گرفته بود؟**

درسته. در ساختمان جدید من یک جلسه به مجلس هفتم رفتم. اگر اشتباه نکنم فراکسیون اکثریت جلسه گذاشته بود. جریان انتخابات بود. سئوالاتی را درباره انتخابات داشتند. من رفتم و به این سئوالات پاسخ دادم. این به ذهن من می‌رسد.

■ **من خاطرم هست که شما به مجلس رفتید و در صحن نیز حضور داشتید عکس‌های آن جلسه نیز منتشر شد.**

جلسه غیرعلنی بود. برای پاسخگویی به فراکسیون خودمان رفته بودم.

■ **حالا بحث این است که شما به رغم حضور در مجلس، در دولت حاضر نشدید یا پیام تبریکی ارسال نکردید. چرا؟ از انتخاب آقای احمدی‌نژاد ناراحت بودید؟**

نه. اصلاً این طور نیست. من زمانی که آقای خاتمی برای دومین بار رئیس‌جمهور شدند، پیام تبریکی منتشر نکردم. حضوراً تبریک گفتم اما به صورت پیام نه.

■ **اما در دور اول ریاست‌جمهوری آقای خاتمی در سال ۷۶ که پیام دادید. در دور دوم نیز موضوع کمی فرق می‌کند. آقای خاتمی از یک گروه دیگر بود اما آقای احمدی‌نژاد از گروه خودتان بود.**

در مرحله اول که پیام دادم، خب من رئیس مجلس پنجم و رقیب ایشان بودم. مصلحت را در این دیدم برای این که تنش جامعه بخوابد و کارها روال پیدا کند، حتی قبل از اعلان رسمی نتیجه انتخابات من پیام تبریک دادم. اما بار دوم موضوع متفاوت بود. این عکس‌العمل طبیعی بود. برای چی باید بیانیه می‌دادم. من تبریکم را وقتی آقای خاتمی به منزلم آمدند به ایشان گفتم، تلفنی هم گفته بودم.

■ **من بحثی درباره دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی ندارم. درباره آقای احمدی‌نژاد پرسیدم که شما سکوت کردید.**

آقای احمدی‌نژاد هم به مانند آقای خاتمی بود. تفاوتی بین برخوردم نمی‌بینم. آقای احمدی‌نژاد که انتخاب شد، روز دوم انتخابات به نظرم شنبه بود من تلفن کردم و تبریکم را تلفنی گفتم.

■ **این سئوال را به این خاطر پرسیدم که شما گفتید تا شب ۲۷ خرداد از آقای لاریجانی حمایت کردید و بعد از آن در فرآیند انتخابات شرکت نکردید. حتی شنیدم رفته بودید به شهر نور.**

البته نور نبودم، به ساری رفته بودم.

■ **به هرحال در تهران نبودید و این مهم بود. چرا در آن یک هفته حساس کار را تعطیل کردید؟**

من دیگر بنا نداشتم کار تشکیلاتی بکنم.

■ **جای تعجب دارد. چون در مهم‌ترین و حساس‌ترین لحظات یک مرتبه به سفر رفتید.**

بله. چون کاندیدای ما آقای لاریجانی بود و به مرحله دوم نیامد و از آنجایی که می‌خواستم کناره‌گیری کنم، این زمان را مناسب دیدم. قصدم این بود که دیگر کار تشکیلاتی نکنم.

■ **به نظر خودتان تصمیم عجولانه‌ای نبود؟**

نه. به تدریج به این نقطه رسیدم.

■ **اما شبی که قرار بود میوه درخت شما به ثمر برسد، کنار کشیدید و این کمی عجیب بود.**

(با خنده) میوه ما کال از درخت افتاد. نرسید.

■ **چطور شد که میوه شما نرسید؟ اصلاً آقای لاریجانی چگونه کاندیدای شما شد.**

نظر جمعی این بود. ما به ایشان رسیدیم.

■ **اما انتقادی که شد این بود که مرکز شورای هماهنگی راساً اقدام به این کار کرده است و اصلاً به نظر نیروهای بدنه توجهی نکرده است. در حالی که گویا قرار بود به نظر جمع و نیروها تمکین شود.**

از اول هم قرار نبود که نظر نیروها لحاظ شود. از ابتدا قرار بر این بود که هسته مرکزی شورای هماهنگی تصمیم بگیرد.

■ **اتفاقاً همین باعث شد که کاندیداهای دیگر شما مثل آقای ولایتی، احمدی‌نژاد یا حتی آقای رضایی انتقاداتی را مطرح کنند یا مثلاً آقای احمدی‌نژاد و ولایتی در جلسات شما شرکت نکنند.**

آقای احمدی‌نژاد در جلسات شرکت می‌کرد. تا آخرین روز هم در جلسات حضور داشت.

■ **اما اخبار منتشره به گونه دیگری بود. حالا بفرمایید آقای لاریجانی چگونه انتخاب شدند؟**

از ابتدا که شورای هماهنگی برای انتخابات فعالیتش را شروع کرد این سئوال مطرح شد که چه کسی را به عنوان کاندیدا معرفی کنیم. جمع به این نتیجه رسید که یک نفر را معرفی نکنیم. گروه‌های مختلف چهار نفر را در ابتدا پیشنهاد کردند. آقای ولایتی، لاریجانی، توکلی و احمدی‌نژاد. جلوتر که رفتیم آقای رضایی نیز مطرح شد و ایشان را هم در لیست لحاظ کردیم. بعد از این پیشنهاد کردم که دیگر کسی را به لیست اضافه نکنیم. این پیشنهاد تصویب شد. علت نیز این بود که مرتباً افراد دیگری پیشنهاد می‌شدند و ما اگر می‌پذیرفتیم باید تا شب انتخابات مشغول افراد مختلف می‌شدیم و زمان را از دست می‌دادیم.

■ **با همان ۵ نفر لیست بسته شد؟ یا آقای قالیباف هم مدنظر بودند؟**

نه. با همان ۵ نفر. بعد هم مشغول احصای معیارهای خودمان شدیم. سپس از کاندیداها دعوت کردیم. برای هر کدام دو جلسه برگزار کردیم. تک به تک می‌آمدند و بررسی می‌شدند.

■ **جلسه در دفتر شما بود؟**

در همین جایی که الان شما هستید. به تعبیر شما جلسه در فرمانیه بود. البته برخی جلسات نیز در دفترم برگزار شد.

■ **این جلسات از کی آغاز شد؟**

تقریباً از ماه رمضان بود. با هر کدام دو جلسه برگزار کردیم.

■ **در حضور دیگر کاندیداها؟**

نه. تک به تک. البته جلساتی بود که همه حضور داشتند اما این جلسات تک به تک بود.

■ **چه نکاتی مدنظر شما بود؟ معیارها چه بود؟**

نکات مختلف که برای هر کاندیدا مطرح بود مورد پرسش قرار می‌گرفت.

■ **به طور مصداقی، بفرمایید چه مواردی بود؟**

مثلاً ضعف‌های برخی از آقایان در شیوه مدیریت یا مسائل دیگر مطرح می‌شد. سئوال پرسیده می‌شد و آنان جواب می‌دادند. در واقع یک نوع بازجویی بود. بی‌پرده و آشکار تمام بحث‌ها را با آنها در میان می‌گذاشتیم و آنها را یادداشت می‌کردیم.

■ **درباره کابینه نیز سئوال می‌کردید؟**

که چی؟

■ **مثلاً نامزدها کابینه و معاونان خود را به شما معرفی کنند تا اطمینان حاصل شود؟**

نه. نه. اصلاً. این مسائل مطرح نبود. من که مسئول شورای هماهنگی بودم و ریز قضایا را داشتم به صراحت می‌گویم که چنین مباحثی مطرح نبود. مسائل این بود که می‌پرسیدیم می‌گویند شما مدیر ضعیفی هستید یا این اشکال را دارید. یا قبیله‌گرا هستید. فامیل‌گرا هستید. خب آنها نیز جواب می‌دادند.

■ **مسائل مالی نیز مطرح می‌شد؟**

همه چیز. مالی، زندگی، اموال، بچه‌ها، همه‌چیز. اما رفته‌رفته بعضی از آقایان احساس می‌کردند که سرکار هستند. برخی شیطنت می‌کردند و به آنها می‌گفتند که شماها سرکار هستید و انتخاب شورای هماهنگی از قبل انجام شده است.

■ **چه کسانی این سخنان را می‌گفتند؟ گروه‌های همسو با روحانیت؟**

نه. از بیرون نیز این مسائل مطرح می‌شد. در داخل خودمان هم عده‌ای به این مسائل می‌پرداختند.

■ **شما سعی نکردید این ابهامات از بین برود؟**

چرا. یک بار وقتی همه جمع بودند، آقای عسگراولادی خطاب به جمع گفت من پیرمردتر از همه شماها هستم. به مرگ نزدیک‌ترم به شما شهادت می‌دهم که این جمع با مسئولیت آقای ناطق نوری هیچ گرایشی نسبت به هیچ یک از شماها نشان نداده است و هیچ کدام نیز نمی‌دانیم اگر بخواهیم تصمیم بگیریم، به کدام یک رای می‌دهیم. این بحث را چند بار آقای عسگراولادی مطرح کردند.

■ **اما با این حال جلسات کم و بیش بدون حضور تمام کاندیداها برگزار می‌شد. مثل جلسه ۲۷ آذر که آقای احمدی‌نژاد نیامد. یا حتی بعدتر.**

در جلسه ۲۷ آذر که آقای احمدی‌نژاد نیامدند، من گله کردم که چرا وقتی شما را دعوت کردیم و بقیه آمدند شما نیامدید. نامه‌ای نوشتند که من در شهرداری مشغول خدمت هستم. البته رد نکرد که من کاندیدا نیستم.

■ **آقای ولایتی چطور؟**

ببینید تشکل‌های ما هم مستقلاً تصمیم تشکیلاتی می‌گرفتند و هم تابع نظر شورای هماهنگی بودند. یعنی آنها کاندیداهای موردنظرشان را به ترتیب اولویت برای ما فرستادند. بعضی از این تشکل‌ها در لیست خود نام آقای ولایتی را نوشته بودند یا به عنوان آخرین کاندیدا نام برده بودند. برخی افراد از همین تشکل‌ها که در جمع ما نیز بودند، رفته بودند پیش آقای ولایتی با ایشان صحبت کنند که مثلاً چه التزامی به تشکیلات دارید، چه التزامی دارید در آنجا به آقای ولایتی گفته بودند، البته شما بدانید که اگر ما بخواهیم به شما رای بدهیم، این جمع تصمیم‌گیر باید به اتفاق آرا رای بدهد. آقای ولایتی دید که از یک طرف اتفاق آرا لازم است و از طرف دیگر می‌دید این آقایی که چنین می‌گوید، خودش از تشکیلاتی است که به ایشان رای نداده است. لذا معنای آن این بود که به عنوان نفر اول برگزیده نخواهد شد. در صورتی که این کج سلیقگی این آقا بود. این اشکال را من گرفتم و گفتم که بدسلیقگی کردید. بعداً نیز با آقای ولایتی در همین ساختمان دیداری داشتیم. گفتم چنین نیست که می‌گویند. شما در تصمیم خیلی عجله کردید. از آنجا آقای ولایتی از ما جدا شد.

■ **شما هم از لیست ایشان را خارج کردید؟**

نه خیر. ایشان تا آخر در لیست ما بودند و هیچ‌وقت آنها را رد نکردیم. تصمیم داشتیم که هیچ کدام را از لیست خارج نکنیم. لیست ما همچنان موجود است.

■ **چگونه رای‌گیری کردید؟**

اتفاقاً همین‌جا رای‌گیری کردیم. همه جمع شده بودند. معیارها را داشتیم. با نام تمام ۵ کاندیدا. مثل روز امتحان هرکس ورقه خود را پر کرد. قسم دادیم که هیچ‌کس به دست دیگری نگاه نکند و گفتیم هیچ‌کس به دیگری خط ندهد. هرکس نظر خودش را بنویسد و بعد نظرات را بخوانیم ببینیم که چه کسی بیشترین رای را آورده است.

■ **این نتیجه‌گیری مورد قبول قرار گرفت؟**

در یک مقطعی آقای احمدی‌نژاد آمد پیش من و گفت که برای اداره کشور طرح دارم و شما نمی‌گذارید که من طرحم را بیان کنم. ما برای همه دو جلسه گذاشته بودیم، برای آقای احمدی‌نژاد ۳ جلسه گذاشتیم. آمد طرحش را بیان کرد. یادداشت کردم که یک ساعت و سه‌ربع فقط ایشان صحبت کردند.

■ **نظر شما درباره طرح ایشان چه بود؟**

خیلی فضایی بود.

■ **به خودشان گفتید؟**

بله. گفتم که ممکن است بعضی از این برنامه‌ها عملی نشود و بعضی هم عملی بشود. اما خیلی آرمانی است.

■ **ناراحت نشدند؟**

نمی‌دانم واقعاً. اما فردای آن روز یک نامه برای من نوشتند و گفتند که من دیگر کاندیدای شورای هماهنگی نیستم.

■ **کناره‌گیری آقای احمدی‌نژاد قبل از نوروز ۸۴ بود؟**

بله فکر می‌کنم قبل از نوروز بود. حدوداً بهمن.

■ **چرا شورای هماهنگی به نظرات نیروهای بدنه توجهی نکرد؟ در حالی که از ابتدا عنوان می‌شد نظرات نیروهای انقلاب ملاک است.**

گفتم از ابتدا بنا بر این بود که مرکز شورای هماهنگی تصمیم‌گیری کند. در انتخابات مجلس هفتم یا دور دوم شوراها نیز چنین کردیم.

■ **اما من در زمان انتخابات که با آقای لاریجانی گفت‌وگو کردم، ایشان نیز از اینکه یک فرآیند دموکراتیک به‌وجود آمده سخن گفتند و بر این موضوع که از پائین به بالا تصمیم گرفته می‌شود تاکید کردند.**

خب این منافاتی با روش دموکراتیک ندارد. ببینید تشکل‌ها بسیار بودند. نیروها نیز زیاد بودند. اگر می‌خواستیم بدنه تصمیم بگیرد که اصلاً نمی‌توانستیم جمع کنیم. چون بدنه یعنی نیروهای شهرستانی، بخش‌ها، استان‌ها. اگر هر کدام یک نظر می‌دادند، اصلاً ما به نتیجه نمی‌رسیدیم.

■ **پس چرا در میان نیروهای خودتان فرم‌های نظرسنجی پخش کردید و نظرات آنان را پرسیدید؟**

خب نظرسنجی برای ما به‌قول کاسب‌ها، نقش مظنه را ایفا می‌کرد. می‌خواستیم فضا را بسنجیم و استعلام کنیم. اما قطعی نبود. ما یک شورای مرکزی داشتیم. این شورا جمعی را انتخاب کرد که این جمع به هر نتیجه‌ای رسید دیگران آن را ملاک قرار دهند.

■ **آیا نظرسنجی‌ها با آنچه که شما انتخاب کردید، نتیجه‌ای یکسان داشت؟**

در نظرسنجی‌ها، آقای لاریجانی خوب جلو می‌آمدند. اما نظرسنجی‌ها همیشه قابل اعتماد نیستند. آقای هاشمی تا لحظات آخر بالا بود. مردم نظر می‌دهند اما نظرشان به هر دلیل عوض می‌شود. یک نکته بود که برخی غافل بودند. در نظرسنجی‌ها دوتا سئوال معمولاً مطرح می‌شد. اول به چه کسی رای می‌دهی، دوم به‌چه کسی رای نمی‌دهی. به نظرم اطرافیان آقای هاشمی از این موضوع غافل بودند. اگرچه در اغلب نظرسنجی‌ها ایشان نفر اول بودند و مثلاً ۳۵ درصد می‌گفتند که به آقای هاشمی رای می‌دهند، اما در پاسخ به سئوال دوم نیز مثلاً ۴۹ درصد می‌گفتند به هاشمی رای نمی‌دهیم. به همین خاطر ما نظرسنجی‌ها را مدنظر داشتیم و اتفاقاً مطابق تحلیل ما نیز پیش رفت. تصور ما این بود که چون آرای منفی ایشان بالا است خیلی موفق نباشد.

■ **صرف‌نظر از آقای هاشمی، دیگران چطور؟ آیا نتیجه نظرسنجی‌ها با انتخاب شما یکسان بود؟ دیگران چنین نظری نداشتند.**

خب شرایط همیشه عوض می‌شود. یادتان هست وقتی آقای قالیباف کاندیدا شد، معادلات به‌هم ریخت و ایشان چند روزی در صدر نظرسنجی‌ها قرار گرفت. از این نوع اتفاقات کم نبود.

■ **بحث آقای قالیباف مطرح شد. آیا ایشان یکی از کاندیداهای شورای هماهنگی بودند؟**

نه. ایشان کاندیدای ما نبودند.

■ **چرا؟ با توجه به این که به نظر می‌رسید نظرات بسیاری را به خود جلب کرده است.**

زمانی که ایشان فرمانده نیروی انتظامی بود، از ایشان پرسیدیم که آیا در انتخابات شرکت می‌کنید یا خیر. گفتند که نه. من نظامی هستم. همین‌جوری نمی‌توانم بیایم. باید اجازه بگیرم. در صورتی که بالاخره تحرکات را می‌دیدیم و نشانه‌های فعالیت ایشان برای ما آشکار بود. آقای باهنر را فرستادیم با ایشان صحبت کرد. گفتند که نه. ما باید استعفا بدهیم و اجازه بگیریم همین‌طوری نمی‌توانیم در انتخابات شرکت کنیم.

■ **وقتی که استعفا داد چطور؟**

نه. ما دیگر ایشان را در لیست خودمان قرار ندادیم.

■ **اما برخی از احزاب شورای هماهنگی، از جمله جمعیت ایثارگران از ایشان کاملاً حمایت کرد.**

بله. البته ایثارگران در یک مقطعی دیگر خرجشان را از ما جدا کردند. عنوان شورای هماهنگی نیروهای اجتماعی را برای خود برگزیدند و راهشان از ما جدا شد.

■ **در فراز و نشیب شورای هماهنگی، یک روز ناگهان اعلام شد که اعضای شورای مرکزی اضافه می‌شوند. از قرار معلوم برخی احزاب اصولگرا به انتخاب اولیه شما اعتراض داشتند. نام‌هایی اعلام شد ولی جلسه‌ای تشکیل نشد. چرا؟**

ببینید ما در ایران حزب نداریم. قبیله داریم و کارهای قبیله‌ای. زمان انتخابات نیز اختلافات قبیله‌ای افزایش پیدا کرد. برخی از تشکل‌هایی که با ما بودند، اعتراضاتی را بیان کردند. بحث شد که چند نفر که مورد تایید معترضین بودند به اعضای شورای هماهنگی اضافه شوند تا به یک تصمیم برسیم.

■ **پس چرا جلسات تشکیل نشد؟**

برای اینکه موضوع منتفی شد.

■ **چرا موضوع منتفی شد؟**

برای اینکه دیگر بین کاندیداها هماهنگی وجود نداشت. برخی کناره‌گیری کردند، برخی گفتند که ما نیستیم، برخی گفتند ما از شورای هماهنگی نیستیم. خب وقتی یک‌کسی می‌گوید کاندیدای شورا نیستم، دیگر معنی نداشت که ما آن جمع را تشکیل بدهیم.

■ **شما که می‌گویید هر ۵ نفر را در لیست داشتید و کاری به نظرات و سخنان آنها نداشتید.**

ما احترام می‌گذاشتیم. اما آنها خودشان جمع ما را قبول نداشتند. حتی پای میز نمی‌آمدند. بعداً برخی از آنها رفتند یک ائتلافی را تشکیل بدهند، اما آن ائتلاف هم صورت نگرفت. خب چرا و چطور شورای جدیدی با اضافه کردن برخی تشکیل دهیم که بعضی از نامزدها و یا دوستانشان حاضر به شرکت در جلسه نبودند.

■ **خاطرم هست که بعد از انتخابات مجلس هفتم، شما جمله‌ای را بیان کردید. گفتید که پس از مجلس اول که ۲۷ عضو آن در حزب جمهوری اسلامی شهید شدند، مجلس هفتم بهترین مجلس نظام است. یادتان هست.**

بله. زیرا معتقد بودم مجلس هفتم، حتی با خودی هم وارد معامله نمی‌شود. در جریان انتخاب کابینه نیز دیدید. این در مجالس دیگر کمتر دیده می‌شد.

■ **بله. سئوالم در این باره است چرا مجلسی را که شما این گونه خطاب کردید، در جریان انتخابات ریاست جمهوری مقابل شما ایستادند و مخالف شما نظر دادند. مشخصاً جمعیت ایثارگران که در مجلس هفتم نیز تاثیر فراوانی دارد، شما را به شیخوخیت متهم کردند. در زمان انتخابات با آقای دارابی قائم مقام سابق این حزب گفت‌وگو کردم. گفتند که شما نظرتان بر یک کاندیدای به‌خصوص است و تاکید کردند که نظر مردم برای جناح راست ملاک نیست. چرا این اتفاق افتاد؟**

اولاً که جمعیت ایثارگران اکثریت مجلس را در اختیار ندارد، ثانیاً به صراحت می‌گویم که تاثیرگذار هم نیستند. اینگونه نیست که اکثریت مجلس تابع نظرات آقایان ایثارگران باشند. ضمناً ارزشی بودن و معامله نکردن معنایش این نیست که حتماً از من حمایت بکنند یا نظر من را تایید کنند.

■ **ببینید حاج‌آقا، بالاخره در جریان انتخابات اتفاقاتی رخ داد. شما تشکیلاتی را هدایت می‌کردید که عملاً تبعیتی از سوی افراد زیرمجموعه دیده نمی‌شد. بعضاً اظهارات اعتراضی نیز بیان می‌شد. مثل سخنان آقای دارابی.**

اولاً آقای دارابی اهل مجلس نیست...

■ **نیست. اما جزء ایثارگران بود.**

بله اعتراض ایشان همان مسئله‌ای بود که پیشتر به آن پرداختیم. معتقد بودند که ما به یک کاندیدای خاص نظر داریم و انتخاب خودمان را کرده‌ایم. در حالی که خود این آقایان معترض رفتند سراغ آقای قالیباف که اصلاً در لیست کاندیداهای شورای هماهنگی نبود. آنقدر تشکیلاتی بودند که از کل شورای هماهنگی بیرون آمدند، ۵ کاندیدا را گذاشتند کنار و رفتند سراغ یک نفر دیگر. حتی به آقای احمدی‌نژاد که عضو شورای مرکزی آنها بود، توجه نکردند و ایشان را به عنوان کاندیدای نهایی انتخاب نکردند. در مرحله دوم ناچار شدند از آقای احمدی‌نژاد حمایت کنند چون سخت مخالف آقای هاشمی بودند.

■ **بالاخره علت مخالفت ایثارگران با شورای هماهنگی مشخص نشد؟ ایثارگران اعتراض می‌کردند اما مشخص نبود به چه چیزی؟**

علت همین بود. اینها می‌خواستند به هر دلیلی سراغ آقای قالیباف بروند.

* ادامه این گفت‌وگو را فردا در صفحه ۶ بخوانید.

خبرها

پیام تسلیت مقام معظم رهبری به آیت‌الله مکارم‌شیرازی

ایسنا: در پی درگذشت والده مکرمه آیت‌الله مکارم شیرازی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام تسلیتی خطاب به ایشان صادر کردند. متن پیام به شرح زیر است: بسم الله الرحمن الرحیم، آیت‌الله جناب آقای مکارم شیرازی دامت‌برکاته، درگذشت مرحومه مغفوره والده مکرمه جنابعالی را تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که ایشان را مشمول رحمت و مغفرت خویش قرار دهد و برکات ناشی از خدمت جنابعالی به والده مکرمه‌تان بعد از وفات ایشان نیز ادامه یابد، انشاءالله.

والسلام علیکم و رحمه‌الله، سیدعلی خامنه‌ای

احمدی‌نژاد: در ایام ن